

نقشه ۶ میلیار دی

مشتري سابق

انگيزه قتل صراف شد

■ آر مين بي‌نا

مردی که بارها از صراف مقتول ارز خریده بود، با وعده تحويل ۶ ميليارد تومان يورو و دلار او را اسر قرار کشاند و در پی درگیری با شلیک دو گلوله جان‌ش را گرفت. ارزهای ریخته شده در صحنه، فر ضیه سرقت مسلسل‌خانه را تقویت و عاملان پس از فرار در کرج بازداشت شدند.

ساعت ۱۱:۵۰ صبح سه‌شنبه ۸مهر، شهروندان با تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ از وقوع درگیری و تیراندازی در خیابان افاقیه، نزدیک میدان موج در غرب تهران خبر دادند. با اعلام این حادثه، تیمی از مأموران کلانتری ۱۴۱ گلسنان به همراه قاضی تیریزی باز پرس ویژه قتل از دادسرای امور جنایی، بلافاصله در محل حاضر شدند.

در بررسی‌های اولیه مأموران مشخص شد مردی ۳۵ ساله به نام «سعید» بر اثر اصابت دو گلوله به قتل رسیده‌است. بررسی تصاویر دوربین‌های مدار بسته اطراف صحنه نشان داد مقتول حدود ساله ۱۰:۲۰ با خودروی شخصی وارد محل شده و لحظاتی بعد، مرد دیگری به سراغ او آمده و مدتی در خودرویش نشسته‌است. گفت‌وگوی مورد خیلی زود به گیری لفظی کشیده و ناگهان ضارب با اسلحه کم‌ری دو گلوله به سمت سعید شلیک کرده و سپس از ضلع شمالی خیابان گر ریخته‌است.

در صحنه جرم، مقدار قابل توجهی ارز خارج‌جی از جمله يورو و دلار روی زمین پراکنده بوده موضوعی که فرضیه سرقت مسلحانه ناموفق را پر رنگ کرد. بررسی‌ها نشان داد مقتول صاحب یک واحد صرافتی در سعادت‌آباد بوده و احتمال دارد برای انجام معامله ارزی به محل حادثه آمده باشد. شاهان حادثه اعلام کردند پس از شلیک، صدای فریاد و سپس توقف کوتاه خودرو شنیده شده و ضارب در حالی که اسلحه در دست داشته، به سرعت از محل متواری شده‌است.

در ادامه تحقیقات با دستور باز پرس تیریزی، جسد مقتول برای تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. در همین حال مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران تحقیقات تخصصی برای شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان این جنایت را آغاز کردند.

مأموران در بررسی‌های فنی در یافتند عاملان قتل دو مرد هستند که یکی از آنها از مشتریان قبلی صرافتی بوده و روز حادثه وی با انگیزه سرقت دست به قتل زده‌است. در ادامه کار اگاهان مخفیگاه دو متهم را در کرج شناسایی و آنها را بازداشت کردند.

۲ متهم در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کردند.

■ قتل رای ۶ میلیارد

■ احسان مقتول را می‌شناختی؟

بله او در منطقه سعادت‌آباد مغازه صرافتی داشت و من مدتی قبل که تصمیم داشتم مقداری دلار و يورو بخرم از طریق یکی از آشناهایم به او معرفی شدم. در این مدت چند بار ی از او دلار و يورو خریدم.

چه شد که تصمیم به قتل او گرفتی؟

همدستم در کار زیر خاکی بود که با هم آشنا شدیم. مدتی قبل به او گفتم مرد صرافتی را می‌شناسم که وضع مالی خوبی دارد و می‌توانیم با اجرای نقشه‌ای، مقدار زیادی يورو و دلار سرقت کنیم، او هم قبول کرد.

چطوری او را سر قرار کشاندید؟

به او سفارش ۶ میلیارد تومان يورو و دلار دادم. به او گفتم می‌خواهم برای خرید به خارج از کشور بروم و نیاز به ارز دارم چون مشتری سابقش بودم به من اعتماد م‌دند و قبلی از او دلار و يورو خریدم. او گفتم معادل آن را به او باز دیجیتالی و تتری می‌دهم.

در باره روز حادثه توضیح بده؟

آن روز همراه دوستم با پر اید به محل قرار رفتیم، البته با فاصله پارک کردیم و دوستم داخل خودرو آماده حرکت ماند و من از خودرو پیاده شدم تا اینکه مرد صراف به محل رسید. سوار خودرویش شدم و وقتی فهمید تتری در کار نیست و من قصد سرقت از راهی او را دارم با من درگیر شد که می‌خواستم با اسلحه تهدیدش کنم و دو تیر شلیک شد. من کیف پر از دلار و يورو را برداشتم که در کیف باز شد و مقدار زیادی روی زمین ریخت و من هم از ترس با همدستم فرار کردم.

فکر می‌کردید دستگیر شوید؟

نه همه چیز حساب شده بود. ما قبل از حادثه محل را کامل بررسی کردیم و حتی در محلی قرار گذاشتیم که دوربین مدار بسته هم نداشت، اما خیلی زود شناسایی و دستگیر شدیم. حتی برای اینکه ردی از خودمان به جا نگذاریم، چند سیم کارت از افراد کارتن خواب و معتاد خریدیم و با آنها تماس با صرافتی تماس می‌گرفتم و بعد هم سیم کارت‌ها و گوشی را دور انداختیم. اما باز هم پلیس دست ما را رو کرد.



■ غلامرضا مسکنی

با اجرای طرح ضربتی پلیس پیشگیری یا پیتخت، اعضای باند زورگیران خشکن که با قهقهه و شمشیر به شهروندان در محدوده ستارخان حمله می‌کردند، در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شدند. این افراد با استفاده از شگردی عجیب – چسباندن آدامس روی چشمی در پارکینگ منازل مقر بانیان را در پارکینگ و لحظه ورود به خانه هدف قرار می‌دادند.

صبح دیروز، مأموران کلانتری ستارخان سه زورگیر خشن را که از یک ماه قبل دست به سرقت‌های سریالی زده بودند، بازداشت و به کلانتری منتقل کردند. بیشتر سوزده‌ها زنان جوانانی بودند که متهمان آنها را در پارکینگ خانه‌ها حین پارک خودرویشان خفت و با تهدید شمشیر و قهقهه طلاله، گوشی همراه و اموال آنها را سرت می‌کردند. متهمان که با سرقت‌های خشن باعث رعب و وحشت ساکنان خیابان‌های غربی تهران شده بودند، خیلی د به دام مأموران گرفتار شدند.

سرهنگ محمد افشار، سر کلانتر دوم پلیس پیشگیری یا پیتخت در با اعلام این خبر گفت: «در روزهای اخیر چندین گزارش از زورگیری با سلاح بسرد در محدوده کلانتری ۱۱۸ ستارخان در یافت کردیم. با توجه به شدت جرائم و ایجاد رعب در میان شهروندان، پیگیری ویژه این پرونده در دستور کار قرار گرفت. به گفته او، مأموران پس از انجام اقدامات فنی و میدانی موفق شدند اعضای این باند سه‌نفره را شناسایی و مخفیگاه آنان را پیدا

■ گفت‌وگو با متهم

■ ۲، ۲۰۱ دستگیری می‌شوی

سردسته باند زورگیران ستارخان، جوان ۲۸ ساله‌ای به نام شهرام است. او که خود را عاشق «دود» می‌داند، یسه همین خاطر در میان همدستانش با لقب «شهرام گراس» شناخته می‌شود. شهرام به دیگر زورگیران و سارقان هشدار می‌دهد که در مسیر خلاف دست بردارند و پارها گفته است پلیس خیلی زود – «یک، دو، سه» – آنان را شناسایی و بازداشت خواهد کرد.

شهرام به چه جرمی دستگیر شدی؟

زورگیری و سرقت به عتف.

سابقه داری؟

هر چه دلت بخواهد سابقه دارم؛ از فروش مواد گرفته تا مصرف، زورگیری، سرقت، درگیری و حتی دو چرخ خدزنی.

چند بار دستگیر شدی؟

گفتم «هر چه دلت بخواهد» (می‌خندد). ۱۶ بار گفتم دستگیر شدم، ولی واقعیتش حواسم نیست؛ شاید اغراق کردم. فکر کنم حدود هفت یا هشت بار به جرم‌های مختلف دستگیر شدم. مواد مغز را پوک‌کننده و خیلی از سرقت‌هایم را بادم نمی‌آید.

اولین بار به چه جرمی بازداشت شدی؟

حدود ۱۷ سالگی، به جرم فروش مواد مخدر بازداشت شدم.

چه شد که از ۱۷ سالگی وارد فروش مواد شدی؟

دوست‌هایم وضع مالی‌شان خوب بود و من هم

حواشات

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

کنند. با اخذ مجوز قضایی، تیم ضربت پلیس وارد عمل شد و هر سه متهم در یک عملیات غافلگیرانه بازداشت شدند.

■ ۲ ماه بعد از زورگیری، وحشت هنوز با من است
یک زن جوان که دو ماه پیش قربانی یک زورگیری خشونت‌آمیز در پارکینگ خانه‌اش شده بود، می‌گوید ترس آن شب هنوز در چهره و جان‌ش موج می‌زند. او در گفت‌وگو با خبرنگار ما شرح داد که سارقان مسلح حدود ۲۰۰ میلیون تومان اموال او را به سرقت بردانند، اما «خیم‌های روحی» این حادثه بسیار فراتر از ارزش مالی اموال از دست‌رفته است. این مالی‌اخته درباره جزئیات حادثه گفت: «ساعت حدود ۲۱:۴۵ شامگاه ۲۷ مردادماه امسال بود و من با خودروی خود وارد پارکینگ خانم‌م شدم. فکر کردم در بسته‌شده چون در پارکینگ طوری تنظیم‌است که خیلی زود

بسته می‌شود، اما تصور نمی‌کردم مرد زورگیری روی چشمی در پارکینگ آدامس چسباند تا در بار بماند.» او ادامه داد: «وقتی خواستم دوباره ریموت را فشار دهم تا در را ببندم، مرد هیکیلی را دیدم که با قمه‌ای بزرگ سمت من آمد. از ترس دست و پایم لرزید؛ او تهدید کرد و گفت هر چه داری بده. برای اینکه با قهقهه به سر و صورت‌م زنند، گردنبد و همه طلاهایم و گوشی همراه را به او دادم. سارق خیلی سریع فرار کرد. من دقایقی در شوک و ماتم‌ودن ماندم و سپس با ۱۱۰ تماس گرفتم.» او در پایان با اشاره به آثار روانی حادثه گفت: «آن قهقهه و آن صحنه وحشت در ذهنم حک شده. آن شب هنوز در وجودم است. از قوه قضائیه می‌خواهم زورگیران را به اشد مجازات برساند.»

ندارند. من به آنها گفتم هر چه زودتر از اینجا

دور شوند، چون همدستانم آدم‌های خبیثی بودند و اگر می‌فهمیدند شاید نرم‌جمی‌کم کردند. بعد به همدستان‌های می‌گفتم «موفق نشدم».

اما شما با قهقهه و شمشیر از زنان زورگیری می‌کردید، این در دست است؟

بله. اما قهقهه را فقط برای ترساندن استفاده می‌کردم. در این مدت حتی یک‌بار هم از قهقهه استفاده نکردم. با هیچ کدام از سوزده‌هایم درگیر نشدم و حتی یک خراش هم به آنها نزد.

چرا اوضاع از سلاح سرد استفاده می‌کردی؟

چون اصلاً قصد آسیب زدن نداشتم و از طرفی می‌دانم مجازات سنگینی دارد؛ هدفم ترساندن و گرفتن اموال بوده، نه زدن و زخمی کردن آنها.

در باره شیوه زورگیری‌هایت توضیح بده؟

من و همدستانم با موتور یا خودروی سواری در خیابان‌های غرب تهران پرسه می‌زدیم. پلاک‌ها را مخدوش می‌کردیم تا شناسایی نشویم. معمولاً سوزده‌هایمان را داخل پارکینگ غافلگیر می‌کردم. وقتی خودروی تک‌سرنشین – زن یا مرد – وارد پارکینگ می‌شد، روی چشمی در پارکینگ آدامس می‌چسباندیم تا در بسته نشود و بعد وارد می‌شدیم. با چاقو یا قمه راننده را تهدید و اموالش را سرت می‌کردیم. معمولاً سوزده‌هایمان زن بودند و خیلی زود تسلیم می‌شدند.

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم

کنم